

## جابه‌جایی ارزش‌ها در جامعه معاصر

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا\*

### اشاره

نگاهی گذرا به تاریخ زندگی اجتماعی بشر، بر این واقعیت شهادت می‌دهد که جوامع انسانی همواره در حال تغییر و دگرگونی‌اند و آنچه در این رهگذر، از اهمیت بیشتری برخوردار است، ماهیت و سمت‌وسوی این دگرگونی‌هاست. مهم، آن است که چه چیزی و به چه صورت و در کدام جهت، در حال تغییر است؟ از آنجا که هسته اصلی هر جامعه را فرهنگ آن تشکیل می‌دهد، می‌توان گفت: نقطه آغازین تغییر در جامعه را باید تغییر در فرهنگ آن دانست و اگر گروهی بخواهند جامعه‌ای را به دلخواه خود تغییر دهند، نقطه شروع آن را در فرهنگ و به خصوص ارزش‌ها و اندیشه‌های آن، قرار می‌دهند.

از دیدگاه امام علی علیه السلام با دگرگونی ارزش‌ها، هرگونه ناروایی اخلاقی ظهور می‌کند؛ به طوری که خیانت و پیمان‌شکنی، مجاز و پسندیده می‌شود؛ حق‌گویی،

---

\* استادیار دانشگاه کاشان.

اندک شمرده شده؛ راست گویی، ناپسند گردیده؛ حق خواهی، موجب خواری می‌گردد و نافرمانی خداوند و سازش کاری‌ها و بی‌اخلاقی‌ها فراگیر خواهد شد.<sup>۱</sup> آنچه در این نوشتار، پیش روی شما قرار می‌گیرد، بررسی جابه‌جایی ارزش‌ها در جامعه معاصر است که در این باره، نمونه‌هایی چند را بررسی نموده‌ایم.

### جابه‌جایی ارزش‌ها در صدر اسلام

جابه‌جایی و وارونه کردن ارزش‌ها، در هر زمانی ممکن است اتفاق بیفتد. نگاهی به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این رویکرد توانست از اعراب بادیه‌نشین که به قول امیر مؤمنان علیه السلام در حیرت و گمراهی سرگردان و در فتنه و جهل و فساد غوطه‌ور بودند،<sup>۲</sup> امتی تربیت کند که شهرت فرهنگ و ادب و مدنیتش همه آفاق را درنوردید؛ اما متأسفانه، پس از آن همه تحول، بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، عواملی چند موجب انحراف مسلمانان از مسیر اصلی گردید. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَمُنِيَ النَّاسُ لَعَمْرُ اللَّهِ بِخَبْطٍ وَ شِمَاسٍ وَ تَلَوْنِ وَ اعْتِرَاضٍ»<sup>۳</sup> به ذات خدا سوگند! مردم پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، گرفتار بیراهه‌روی و چموشی و رنگارنگی و بی‌اعتدالی شدند.»

امام علی علیه السلام دوران پس از خود را چنین پیش‌بینی کرده بود: «وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرْوِ مَقْلُوبًا»<sup>۴</sup> مردم جامعه اسلام را به تن می‌نمایند؛ ولی آن چنان‌که پوستین را وارونه به تن کنند.»

### جابه‌جایی ارزش‌ها، ابزار جنگ نرم

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

۲. همان، خطبه ۹۵.

۳. همان، خطبه ۳.

۴. همان، خطبه ۱۰۸.

امروزه جابه‌جایی ارزش‌ها و تغییر سبک زندگی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم دشمن محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت: دیگر دوران حاکمیت سیاسی و سلطه قدرت‌های نظامی به پایان رسیده و عصر تسخیر اذهان افکار عمومی با سلاح امواج و رسانه‌ها در حال شکل‌گیری است. گفتنی است که این نوع سلاح، به مراتب مخرب‌تر و مبارزه با آن نیز به دلیل ماهیت پیچیده و پنهانی‌اش، دشوارتر است. در واقع، در این نبرد آنچه شلیک می‌شود، گلوله سُرّبی نبوده، هدف آن نیز نقطه حساس از بدن فرد مقابل که منجر به کشته شدن او می‌شود، نیست؛ بلکه در جنگ رسانه‌ای، گلوله‌ای از جنس پیام، به طرف افکار و اذهان هدف‌گیری می‌شود. در این باره، می‌توان به ظاهرگرایی به جای محتواگرایی، زیبایی‌چهره به جای زیبایی اندیشه، تناسب اندام به جای تناسب شخصیت، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی به جای قناعت و ساده‌زیستی، سبک‌سری و جلف‌گری به جای متانت و بزرگواری، برهنگی و بی‌مبالاتی جسمی و جنسی به جای حجب و حیا و حرمت جسم و جنسیت، اشاره کرد.

## جلوه‌هایی از جابه‌جایی ارزش‌ها

### ۱. جابه‌جایی معروف و منکر

یکی از مصیبت‌های بزرگی که امروز تا حدودی گریبان‌گیر جامعه شده، کم‌کار شدن خواص و تبدیل معروف به منکر است. روایت فراوانی درباره وضع معروف و منکر در آخر الزمان آمده است؛ اینکه فاسق به گناه افتخار می‌کند، می‌خندد و انتظار ستایش دارد و کسی به او اعتراض نمی‌کند! یا اینکه فاسق در کارهایی که خداوند دوست ندارد، تحسین می‌شود. یا اگر کسی سخن حق بر زبان براند و امر به معروف و نهی از منکر نماید، دیگران از روی نصیحت و خیرخواهی به او

می گویند: «تو وظیفه نداری اینها را بگویی.»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پیش بینی خود از وضعیت آخرالزمان فرموده: «چگونه خواهد بود آن زمانی که زنان و جوان های شما فاسد شوند؛ درحالی که شما امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید؟ اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! آیا چنین زمانی پیش می آید؟ فرمود: آری، بدتر از آن هم می شود؛ تا جایی که امر به منکر و نهی از معروف می کنید. عرض کردند: ای رسول خدا! آیا کار ما به اینجا می رسد؟ فرمود: آری، و بدتر از آن می شود که حسّ تشخیص شما وارونه می شود؛ معروف در نظر شما منکر، و منکر در نظر شما معروف می شود.»<sup>۲</sup>

در این حدیث، حضرت مسیر انحرافی را سه مرحله می داند: ۱. انسان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را فراموش می کند؛ ۲. به منکر امر می نماید و از معروف نهی می کند؛ ۳. باور انسان تغییر خواهد یافت؛ یعنی کار بد در نظرش مایه افتخار و نشانه شخصیت و تمدن است و کار خوب در نظرش بی ارزش و نشانه بی تمدنی و عقب ماندگی می باشد.

## ۲. تغییر نگرش به حجاب

دشمن برای نفوذ فرهنگی و تغییر ارزش ها و نگرش های زنان و دختران ایرانی، راهبردهایی را طراحی کرده است، تا ارزش هایی چون حجاب را که مانع مهمی در عملی شدن برنامه های آنان محسوب می شوند، بی معنا سازند. متأسفانه، هر سالی که می گذرد، بدحجابی ها شکل و شمایل جدیدتری به خود می گیرند، تا جایی که دیگر باید با چیزی به نام «دکمه» در مانتوها خداحافظی کنیم. مانتو، معنای خود را از دست داده و بیشتر شبیه شنلی شده که تنها روی شانه ها آویزان

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۱۸۱.

می‌شود. شلووار زنانه هم جای خود را به پوششی به نام «سپورت» داده است؛ پوششی که هیچ حفاظتی برای شخص مصرف‌کننده ندارد و حتی جذاب‌تر از برهنگی برای افراد است. شال و روسری هم تنها تکه پارچه‌ای شده‌اند که وسط سر را می‌پوشانند و موها و گردن را جذاب‌تر از بی‌حجابی به نمایش می‌گذارند. به نظر می‌رسد، عامل مهم بدحجابی در دختران جوان جامعه، ریشه در تغییر نگرش آنها به مقوله حجاب دارد. آنها عمدتاً بر این باورند که حجاب، امری شخصی است و آنها دوست دارند با ظاهری آراسته و زیبا وارد جامعه شوند. تبدیل بدحجابی به یک ارزش فرهنگی و به اصطلاح «باکلاس شدن»، معضلی بسیار جدی است. کار به جایی رسیده که بعضی، مقوله حجاب را از عفاف جدا ساخته و معتقدند: «حجاب، یک حکم دینی و تا حدود زیادی هم هویتی است؛ یعنی مبدا تصور شود شخص بی‌حجاب، شخص بی‌عفتی است؛ اصلاً حجاب، ربطی به عفت ندارد. این دو را باید کاملاً از همدیگر جدا کرد.»<sup>۱</sup>

درحالی‌که در ده‌ها مورد از آیات قرآن و گفتار امامان معصوم علیهم‌السلام به‌صراحت به رابطه متقابل ایمان و عمل اشاره شده است. همان‌گونه که فرد پس از دارا شدن ایمان، خودبه‌خود رفتارش انضباط می‌یابد، رهیدگی و بدرفتاری نیز ایمان را می‌زداید. علاقه‌مندی به حیا و ارزشمند دانستن عفت، زمانی معلوم می‌شود که رفتار فرد، گواه آن باشد. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرموده است: «بدان که هر ظاهری، باطنی متناسب با خود دارد. آنچه ظاهرش پاکیزه باشد، باطنش نیز پاک و پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید و آلوده باشد، باطن آن نیز آلوده است.»<sup>۲</sup>

در تبیین چگونگی رابطه عفاف و حجاب گفته شده است: «حیا و عفت، دارای

۱. یوسف غلامی، «حیا بدون حجاب»، ماهنامه معارف، ش ۱۰۷، ص ۲۲.

۲. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

مراتب است؛ همان‌گونه‌که نه هر فرد با حجاب را می‌توان کاملاً با حیا شمرد و نه هر فرد بی‌حجاب را کاملاً بی‌حیا؛ اما طبیعی است که وقتی حیا و عفت کامل‌تر باشد، رفتار اجتماعی و اخلاقی فرد ضابطه‌مندتر و «سازگارتر با حیا» بروز می‌کند. حجاب، میوه درخت حیا و عفت است. چگونه می‌توان میان درخت و میوه آن رابطه‌ای نباشد! حجاب اگر به‌درستی مراعات شود، از صفت حیا و عفت فرد تغذیه شده است. حجابی که از درون مایه حیا برخوردار نباشد، چندان نه دوام دارد و نه ارزش؛ همان‌گونه‌که حیای بدون حجاب نیز نه کامل است و نه در امان از آسیب. رابطه حیا و حجاب، به مغز گردو و پوست آن بی‌شبهت نیست. ارزش حقیقی گردو، به مغز آن است؛ ولی این به آن معنا نیست که پوست گردو هیچ ارزشی ندارد. مغز گردو، در محافظت همان پوست ارزش یافته و حفظ می‌شود. مغز گردوی بدون پوست، با ضعیف‌ترین موجودات در معرض فساد است. در آن صورت، مورچه‌ها، خاک و حتی هوا و رطوبت، آن را فاسد می‌کند.»<sup>۱</sup>

### ۳. کم‌رنگ‌شدن غیرت مردان

یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی که باعث کسب عزت و آبرو و شخصیت ممتاز می‌گردد، خصلت غیرت است. در حقیقت، غیرت، همچون یک پلیس مخفی هشیار و بیدار در روح و روان انسان، مراقب مرزها و حدود و خط‌قرمزهاست و انسان را به نظارت قاطع در این راستا وامی‌دارد، تا به پاسداری و نگهبانی از حریم‌ها بپردازد. غیرت، نیروی بازدارنده‌ای است که مرد را در مقابل انحراف اعضای خانواده‌اش حساس می‌کند و اجازه نمی‌دهد از هنجارهای شناخته‌شده تخلفی صورت گیرد. در روایات اسلامی، از غیرت و مسئولیت مرد در

۱. یوسف غلامی، «حیا بدون حجاب»، ماهنامه معارف، ش ۱۰۷، ص ۲۲.

معاشرت‌ها و رفت‌وآمد و نوع پوشش همسر و دختران، نمونه‌های بسیاری به چشم می‌خورد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْعَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛<sup>۱</sup> غیرت، نشانه ایمان است.» امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «خداوند، غیور است و هر غیوری را دوست دارد و به جهت غیرتش، تمام کارهای زشت - اعم از آشکار و پنهان - را حرام نموده است.»<sup>۲</sup> همچنین، آن حضرت فرمود: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنْكُوسُ الْقَلْبِ؛<sup>۳</sup> کسی که غیرت نورزد، قلبش واژگونه است.» یعنی چشم‌پسته و کور است و قابلیت پذیرش نور الهی و نصایح دین را ندارد.

متأسفانه، امروزه تبلیغات رسانه‌ای شدیدی در جهت غیرت‌زدایی در جامعه به‌کار گرفته می‌شود و پدران نمونه را پدرانی می‌دانند که در امور شخصی و دوست‌گزینی فرزندان، دخالتی نداشته و بر رفت‌وآمد همسر خود نظارتی نمی‌کنند. روشن است که غیرت‌زدایی، راه را برای افتادن فرزندان و همسر در دام فریب‌کاران و نامحرم‌ان باز می‌کند. زمانی بود که هر فردی علیه کسی که تصویر ناموسش را روی اینترنت قرار می‌داد، شکایت می‌کرد؛ ولی اکنون در فضای مجازی، بعضی از افراد رسماً تصویر خود و همسر و ناموسشان را چه بسا نیمه‌برهنه بر صفحه فیسبوک یا اینستاگرام می‌چسبانند تا دیگران از دیدن تصویر برهنه همسر یا ناموسشان لذت ببرند! به‌راستی جامعه ما را چه شده است که پدری، همسری و یا برادری می‌بیند که دختر یا زن خانواده در خیابان با پوشش زننده‌ای عشوهرگری می‌کند؛ ولی فقط نظاره‌گر است و حتی در بعضی موارد، تشویق‌کننده نیز می‌باشد؟ جامعه ما را چه شده که برخی مردان با وجود آگاهی

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۵.

۳. همان، ص ۵۳۶.

از ارتباط دختران خانواده با افراد غریبه، نه تنها حرفی نمی‌زنند؛ بلکه با سکوت خود و سر زیر برف کردن، آنها را به ادامه این روند ترغیب می‌کنند؟

#### ۴. تقدس‌زدایی از کانون خانواده

از منظر اسلام، نهاد خانواده دارای جایگاه و قداست ویژه‌ای است که قابل مقایسه با هیچ نهاد دیگری نیست. در این باره، سخنی والاتر از سخن رسول خدا ﷺ نمی‌توان گفت که می‌فرماید: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ»<sup>۱</sup> در اسلام، بنیادی نهاده نشده است که در نزد خدا، از ازدواج محبوب‌تر باشد. «حکمت قداستی که اسلام به خانواده بخشیده، ارزش‌گذاری معنوی بر پیوند خانوادگی، زمینه‌سازی برای تقویت این پیوند و پیشگیری از فروپاشی آن است. قداست خانواده، سدّ محکمی در برابر سوء استفاده جنسی از زن به عنوان یک کالا یا ابزار فروش کالا و در واقع، مانع بردگی نوین زن است.

خطری که در جهان امروز، نسل بشر را تهدید می‌کند، تقدس‌زدایی از کانون خانواده است. دشمنان که قداست خانواده را مانعی در برابر خواسته‌های نامشروع خود می‌بینند، با همه توان با آن مقابله می‌کنند. در این راستا، چندی است اصطلاحی به نام «ازدواج سفید» شکل گرفته که با وجود عنوان مثبت و زیبایش، باطنی چرکین و درونی تیره و تاریک دارد. این موضوع، به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در رسانه‌ها تبدیل شده است. منظور از «ازدواج سفید»، زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی است؛ یعنی زن و مرد بدون اینکه بین آنها خطبه عقد یا صیغه جاری شود، برای زندگی با همدیگر، زیر یک سقف می‌روند. این مسئله، پدیده‌ای غربی است که در بعضی از خانواده‌های امروزی رخنه کرده است.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.



## ۵. بی‌ارزش نشان دادن خانه‌داری

سبک زندگی اسلامی - ایرانی، نه فقط خانه‌داری را شغلی بسیار مهم می‌داند، بلکه آن قدر برای نقش‌های مادری و همسری زن، ارزش قائل است که دیگر نقش‌های وی را در سایه این دو وظیفه حساس تعریف می‌کند؛ زیرا این نقش‌ها، برخلاف دیگر وظایف تعریف‌شده در ساختار جامعه، هیچ جایگزینی ندارند. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که بین علی عَلِيٌّ و فاطمه فَاطِمَةُ تقسیم وظایف کرد، فرمود: «کارهای بیرون از خانه مانند آوردن آب و مواد غذایی، سهم علی عَلِيٌّ است و کارهای درون خانه مانند آشپزی و نظافت منزل، سهم فاطمه فَاطِمَةُ است.» فاطمه زهرا عَلِيَّهَا السَّلَامُ فرمود: «خدا می‌داند چقدر از این تقسیم کار، شادمان شدم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سختی کار بیرون را از عهده من برداشت.»<sup>۱</sup>

در ارزش معنوی خانه‌داری، همین بس که در روایتی امام صادق عَلِيٌّ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمود: «هر زنی که چیزی را در خانه شوهر از زمین بردارد و قصدش نظافت و تمیزی خانه باشد، خداوند به او نظر می‌کند و هرکسی که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌نماید.»<sup>۲</sup>

در گذشته، زن‌ها با افتخار می‌گفتند تمام وقتشان را صرف خدمت به همسر و فرزندان خود می‌کنند؛ اما حالا وقتی از او می‌پرسید: چه می‌کنی؟ اگر بیرون از منزل کار نکنند، شرم‌نده می‌شود! چون در حال حاضر برای زن امروز، خانه‌داری به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌شود. متأسفانه، امروزه در میان زنان، رقابت موقعیت شغلی به وجود آمده و گاهی حتی بعضی از خانم‌ها هدفشان فقط داشتن شغل است؛ هرچند این شغل، کفاف رفت‌وآمد و هزینه‌های اولیه فرد را

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۲. همان، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶.

ندهد؛ چراکه فقط سر کار بودن برایشان ارزشمند است. اسلام با اشتغال زنان در جامعه مخالفتی ندارد و چه بسا در مواردی ضرورت نیز پیدا کند؛ اما کار در خارج از منزل نباید ارزش خانه‌داری را بکاهد. نقش اصلی زن، به آرامش رساندن خانواده است؛ در صورتی که اگر در جامعه نقش اجتماعی و اقتصادی زن، پُررنگ‌تر گردد و نقش خانوادگی او کم‌رنگ شود، استحکام خانواده دچار مشکل خواهد شد. خانم‌ها به این نکته توجه کنند که خانه‌داری، به معنای بیکاری نیست؛ بلکه خانه‌داری و ایفای نقش مادری و همسری، بستر اصلاح اجتماع و رشد انسان‌ها را فراهم می‌کند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌گوید:

«فاطمه زهرا علیها السلام، یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی؛ یعنی در حدّ یک رهبر؛ اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می‌توانست پیغمبر باشد، همین زن، مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند؛ ببینید، اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافل حرف‌های پوچ غربی‌ها، این قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن، تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر...»<sup>۱</sup>

## ۶. قبح‌زدایی از طلاق

با بررسی آیات و روایات اسلامی درمی‌یابیم به همان اندازه که در اسلام بر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید شده، به همان اندازه نیز به حفظ و نگهداری از آن سفارش شده است؛ چراکه نهال خانواده برای ادامه حیات و به ثمر نشستن خود،

۱. پایگاه اینترنتی رهبر معظم انقلاب، تاریخ دسترسی «۱۳۹۵/۱۲/۲۹»، نشانی: [www.leader.ir](http://www.leader.ir)

به رسیدگی و مراقبت ویژه‌ای نیاز دارد. ضرورت‌هایی سبب شده است تا خداوند به طلاق مشروعیت بخشد؛ اما سیاست‌های دینی بر مبنای دعوت مردم برای حفظ خانواده و پرهیز از طلاق شکل گرفته است. آموزه‌های روایی، طلاق را ناپسندترین حلال در نزد خدا می‌شمارد<sup>۱</sup> و خانه‌ای را که در آن طلاق واقع شده باشد، به خرابه تشبیه می‌کند<sup>۲</sup> و مردی که بدون علت، همسر خویش را طلاق می‌دهد، ملعون می‌شمارد.<sup>۳</sup>

روزگاری بود که طلاق در میان آحاد جامعه ما، واژه سنگینی به شمار می‌رفت و خانواده‌ها به آسانی با آن کنار نمی‌آمدند و پُر شدن صفحه طلاق شناسنامه، امری مذموم و غیرقابل هضم دانسته می‌شد؛ اما امروز با سهولت و سادگی هرچه بیشتر، مکروه‌ترین حلال خدا، در دفاتر ثبت طلاق مرقوم می‌شود. عمق فاجعه تا آنجایی است که علاوه بر افزایش این معضل بزرگ، عده‌ای در جهت قبیح‌زدایی از این مسئله، برای گسست کانون گرم خانواده، مهمانی می‌دهند و جشن طلاق می‌گیرند. برخی سریال‌ها و فیلم‌ها، با قبیح‌زدایی از طلاق به مخاطب القا می‌کنند که یک انسان هر وقت خواست می‌تواند به زندگی مشترک خود پایان دهد. این کار، به مفهوم عادی‌سازی طلاق در منظر مخاطبان است. تقدس‌زدایی از ازدواج، سبب شد که ازدواج از تشکیل بنایی مقدس که در متون دینی از آن به ارزشمندترین سازه اجتماعی و زمینه تقویت دین‌داری و کاهش گناه نام برده می‌شود، به قراردادی اعتباری، به مثابه یک معادله اقتصادی، تنزل یابد.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۸.

۲. همان، ص ۷.

۳. همان، ص ۸.

### جابه‌جایی ارزش‌ها و قیام امام حسین علیه السلام

با حاکمیت مطلق امویان و نیز بعد از مرگ معاویه و حاکم‌شدن یزید، جریان‌ی انحرافی به فکر بهره‌گیری از انواع و اقسام روش‌های فرهنگی و سیاسی افتداد و گمان کرد که زمان مناسب برای بهره‌برداری کامل از تمام تلاش‌های چندین‌ساله و رونمایی کامل از ساختارهای جدید اخلاقی و فرهنگی فرارسیده و چون ذائقه جامعه تغییر یافته، می‌توانند فرایند جابه‌جایی ارزش‌ها را تکمیل کنند و با بهره‌مندی از ظواهر و احساسات دینی، قدرت خویش را برای همیشه تثبیت نمایند.

در سال ۶۱ هجری، به جای ارزش‌های نبوی، ارزش‌های دنیوی بر جامعه حاکم گردید و رفتار و کردار مردم حول محور ثروت‌اندوزی دور زده، منش اجتماعی آنها دنیاگرایی گردیده بود. در اینجا است که کهنه پیرهن و انگشت با انگشت به غارت می‌رود؛ چراکه دنیا و دنیاگرایی ارزش است و دیگر هیچ. نویسنده مقتل الحسین علیه السلام قضیه‌ای را از غروب عاشورای حسینی نقل می‌کند که خود گواهی بر این گفته است. ایشان می‌نویسد:

«مردی نزد فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام آمد و خلخال پای او را بیرون آورد و در آن حال، می‌گریست. فاطمه گفت: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: برای این کاری که می‌کنم و اموال دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به غارت می‌برم. فاطمه گفت: اگر چنین است، پس مرا رها کن. گفت: می‌ترسم دیگری آن را ببرد!»<sup>۱</sup>

عاشورا، حاصل شکستن قداست‌ها و تجاوز به حریم اعتقادات و زیر پا نهادن مرزها و جابه‌جایی ارزش است. روزگاری آب وضوی پیامبر را حرمتی بود و امروز عمامه و عبای آن حضرت در تن امام حسین علیه السلام، جاذبه‌ای ندارد! آن روز،

۱. عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۳۵۵.

حسین علیه السلام از «اهل بیت» به شمار می‌رفت و بر دوش پیامبر و مورد احترام امت بود؛ ولی امروز تنها ایستاده و ندای «هل من ناصر ینصرنی» او را پاسخ دهنده‌ای نیست!

در چنین شرایطی، امام حسین علیه السلام وظیفه خود می‌داند در برابر این انحراف بزرگ بایستد و مردم را نیز آگاه سازد. در این راستا، حضرت در نامه خود به پنج نفر از اشراف بصره نوشته‌اند:

«أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تُطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛<sup>۱</sup> اکنون فرستاده خود را با این نامه به سوی شما اعزام کردم و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می‌خوانم؛ چراکه [این گروه]، سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از بین برده، بدعت [در دین] را احیا کردند. اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می‌کنم.»

---

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰.